

«مفهوم برابری زنان و مردان در بهره‌مندی از حقوق بشر»^۱

عدالت و برابری:

اندیشه‌های حقوق بشری و نظام و سیستمی که امروزه در عرصه بین‌المللی برای تضمین و تحقق آن شکل گرفته است، در پی ایجاد شرایط و رسیدن به وضعیت و جایگاهی است که با تحقق آن، عدالت مطلوب حقوق بشر نیز متجلی می‌گردد. در این میان یکی از محوری‌ترین مفاهیم و مولفه‌ها در تعریف و تحقق عدالت از منظر اندیشه‌های حقوق بشری، مفهوم «برابری» است. گفته می‌شود برابری همیشه و در همه عرصه‌ها موجب تحقق عدالت نیست و پذیرش برابری بطور مطلق در همه حوزه‌های روابط انسانی منتهی به عدالت نمی‌گردد و بلکه بر عکس در بسیاری از قلمروها و حوزه‌ها مثلاً حوزه مربوط به توزیع و بازتوزیع منابع و امکانات اقتصادی، «نابرابری» (با لحاظ شرایطی) محقق‌کننده عدالت است. این البته مطلبی است که در هنگام تعیین محتوای برابری از سوی برخی اندیشمندان معاصر مطرح می‌گردد.^۲ با این وجود باید دانست که تعیین محتوای برابری از تعیین افراد برابر کاملاً متفاوت است. بر اساس عقلانیت امروزی که حقوق بشر معاصر نیز بر آن مبتنی است، هر موجودی که دارای ژنوم انسانی باشد، بشر تلقی می‌شود^۳ و به لحاظ بشر بودن خویش واجد مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌هاست و چون همه این‌ها بشر در حیثیت انسانی و انسان بودن با هم برابر هستند، در بهره‌مندی از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین نیز برابر خواهند بود. از اینرو از منظر نظام بین‌الملل حقوق بشر عوامل و عوارضی همچون جنسیت، نژاد، مذهب و... نمی‌توانند دلیلی بر انکار برابری یا اعمال محدودیت بر آن گردند. امروزه برابری جنسیتی به عنوان یکی از مبانی تعریف و تحقق عدالت حقوق بشری در کلیه اسناد و رویه‌های مربوطه مطرح و مورد تأکید می‌باشد که از آن جمله می‌توان به ماده ۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۳ میثاق بین‌المللی حقوق

۱. این مقاله پیش از این در خیرنامه کانون وکلای دادگستری اصفهان، شماره ۳۰، دیماه ۱۳۸۷، منتشر گردیده است.

۲. برای نمونه بنگرید به: جان راولز، عدالت به مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، نشر ققنوس، ۱۳۸۳، صص ۷۹ الی ۱۴۲. همچنین جهت آشنایی با نظریه رونالد دورکین در زمینه برابری بنگرید به: سید محمد قاری سید فاطمی، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر اول، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲، صص ۵۲ و ۵۳.

۳. ماده ۱ اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر (مصوب ۱۹۹۷ - یونسکو): «ژنوم انسانی شالوده وحدت اساسی همه اعضای خانواده بشری و شناخت ذاتی تنوع آنهاست. به مفهوم نمادین ژنوم انسانی میراث مشترک بشریت است»

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره نمود. این ماده اشعار می‌دارد: «کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی [و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی] پیش‌بینی شده در این میثاق، تامین نمایند»^۴

در ادامه تلاش می‌شود تا برابری میان زنان و مردان را در بهره‌مندی از حقوق بشر با نظری به اسناد عمده و نظریه‌های عمومی حقوق بشری مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم. این نوشته صرفاً گذری بر این عرصه است.^۴

گفتار نخست: اقدامات برابری ساز

الف) پذیرش برابری در قانون و برابری نزد قانون

برابری در قانون بدین معناست که همه افراد انسانی صرفنظر از عوارضی مثل جنسیت بطور برابر در حمایت قانون قرار داشته باشند و به هنگام قانونگذاری و تصویب مقررات از حقوق و آزادی‌های مشابه بهره‌مند گردند.^۵ برابری نزد قانون (در مقابل قانون) نیز عبارت است از کاربرد برابر قانون از سوی مراجع قانونی همچون دادگاهها و ادارات دولتی و امثال آنها به گونه‌ای که یک فرد مثلاً به دلیل جنسیت خود محروم از مراجعه به یک دادگاه یا اداره نگردد یا با محدودیتهای ناموجه روبرو نشود.^۶ ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در خصوص این دو گونه برابری اشعار می‌دارد: «کلیه اشخاص در مقابل قانون متساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض استحقاق حمایت بالسویه قانون را دارند....» مشابه عبارت فوق در ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز آمده است.

^۴. برای مطالعه متن اسناد مورد اشاره در این نوشتار رجوع شود به: اردشیر امیر ارجمند، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. همچنین برای مطالعه متن نظریه‌های عمومی مورد اشاره رجوع شود به:

HRI. COMPILATION OF GENERAL COMMENTS AND GENERAL RECOMMENDATIONS ADOPTED BY HUMAN RIGHTS TREATY BODIES. HRI/GEN/1/Rev.7.
[http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/898586b1dc7b4043c1256a450044f331/ca12c3a4ea8d6c53c1256d500056e56f/\\$FILE/G0441302.pdf](http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/898586b1dc7b4043c1256a450044f331/ca12c3a4ea8d6c53c1256d500056e56f/$FILE/G0441302.pdf)

^۵. General Comment No.16. Adopted by the committee on economic, social and cultural rights. Para:9.

^۶. محدودیت موجه، محدودیتی است که بوسیله قانون و از طریق یک روند دموکراتیک و با رعایت اصل ضرورت و تناسب و به دلیل حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران یا رعایت اخلاق عمومی، نظم عمومی، امنیت ملی یا عمومی و بهداشت عمومی وضع گردیده باشد. (از جمله بنگرید به بند ۳ ماده ۱۸ و بند ۳ ماده ۱۹ و مواد ۲۱ و ۲۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۴ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی). شایان ذکر است که این محدودیت موجه در هر حال شامل برخی حق‌ها که به حقوق مطلق موسوم هستند (از قبیل آزادی عقیده، وجدان و مذهب و حق بر منع شکنجه) نمی‌شود.

ب) عدم تبعیض

تبعیض جنسیتی یا تبعیض علیه زنان به هر نوع تمایز^۷، استثناء^۸ یا محدودیت^۹ به دلیل جنسیت اطلاق می شود که نتیجه یا هدف آن خدشه دار کردن یا لغو شناسایی، برخورداری یا استیفای برابر حقوق بشر و آزادی های بنیادین در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدنی یا هر زمینه دیگر توسط زنان باشد...^{۱۰} کمیته حقوق بشر (رکن ناظر بر اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی) نیز در نظریه عمومی شماره ۱۸ خود که به موضوع عدم تبعیض می پردازد، در بند ۷ از این نظریه در بیان تبعیض جنسیتی آنرا شامل هرگونه تمایز، مستثناء شدن، محدود شدن و تفاوت گذاری^{۱۱} می داند که به دلیل جنسیت برای زنان در برخورداری از حقوق بشر و آزادی های اساسی ایجاد می گردد.^{۱۲}

اصل عدم تبعیض پیامد و نتیجه ی اصل برابری است.^{۱۳} در این راستا ممنوعیت تبعیض راهکاری است که برای دستیابی به برابری مورد استفاده قرار می گیرد. صرف حمایت برابر از زنان و مردان در قانون و پذیرش برابری نزد قانون کافی برای تحقق برابری نیست. منع و محو تبعیض راهکاری است که برابری را قابل حصول تر می نماید. در واقع با نبودن تبعیض جنسیتی، گام مهمی برای رسیدن به سطح برابری مورد نظر در بهره مندی از حقوق بشر میان زنان و مردان برداشته می شود.

امروزه عدم تبعیض به عنوان یک اصل و حق بنیادین در نظام بین الملل حقوق بشر جایگاه ویژه ای را دارا گشته است. در این راستا ماده ۲ میثاق های مورد اشاره، دولتهای عضو را ملزم به احترام و تضمین حقوق به رسمیت شناخته شده در این میثاق نسبت به کلیه افراد داخل در حوزه صلاحیت خویش بدون تمایز از هر نوعی از جمله بر مبنای جنسیت، می نماید. ماده ۲۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز در این رابطه ضمن منع تبعیض خواستار تضمین حمایت برابر و موثر از کلیه انسانها در برابر هر نوع تبعیضی از جمله به دلیل جنسیت می شود. در این رابطه کمیته حقوق بشر معتقد است که تعهدات دولت های عضو وفق این ماده صرفاً مربوطه به عدم تبعیض

⁷. Distinction.

⁸. Exclusion.

⁹. Restriction.

^{۱۰}. ماده ۱ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان.

¹¹. Preference.

¹². General Comment No.18 (Non - discrimination). Adopted by the human rights committee. Para:7.

¹³. General Comment No.16. Adopted by the committee on economic, social and cultural rights. Para:10.

نسبت به حقوق مندرج در این میثاق نیست، بلکه دولت های عضو می بایست تبعیض آمیز نبودن محتویات کلیه قوانین را مد نظر قرار دهند.^{۱۴}

پ) تبعیض مثبت

برابری بر دو گونه است. یک جا منظور از برابری، برابری قانونی یا شکلی (de jure) است و یک جا منظور از برابری، برابری عملی یا واقعی (de facto) است. برابری شکلی عبارت از همان برابری به رسمیت شناخته شده در قوانین و مقررات می باشد و برابری عملی یا واقعی، برابری است که در صحنه عملی و واقعی زندگی و روابط فردی و اجتماعی در بهره مندی از حقوق و فرصتها می بایست ایجاد گردد.^{۱۵} همانطور که پیش از این نیز گفته شد، پذیرش برابری انسان ها اصلی اساسی برای تحقق عدالت است. لیکن دستیابی به برابری صرفاً با شناسایی رسمی آن یا پذیرش و کاربرد اصل عدم تبعیض میسر نمی گردد. بطور خاص در زمینه حقوق زنان با توجه به اینکه این گروه بطور تاریخی و سنتی موضوع تبعیضات مختلف واقع شده اند و بسیاری از ارزشها و هنجارهای اجتماعی، مذهبی و فرهنگی در این راستا شکل گرفته است، صرف به رسمیت شناخته شدن برابری زنان و مردان در قوانین و یا تاکید بر عدم تبعیض کافی برای وصول به برابری عملی و واقعی نیست. در این مواقع و اوضاع و احوال ضرورت دارد اقدامات موقت و ویژه ای از سوی دولت ها و سازمان ها اتخاذ گردد تا در تحقق این هدف تسریع گردد. این اقدامات موقت و ویژه را اصطلاحاً تبعیض مثبت یا تبعیض معکوس می گویند.^{۱۶} در تبعیض مثبت دو نکته حائز اهمیت است. اول اینکه این اقدامات ویژه است و دیگر اینکه این اقدامات موقت است. ویژه بودن آن به این معناست که عمومیت ندارد و صرفاً موضوعی خاص را مد نظر

^{۱۴}. General Comment No.18 . Adopted by the human rights committee. para: 12.

^{۱۵}. General Comment No.16 . Adopted by the committee on economic, social and cultural rights. Para:6,7,8.

^{۱۶}. لازم به ذکر است که وفق نظر کمیته حقوق بشر هرگونه رفتار نابرابر در صورتی که معیار و ضابطه ی چنین تفاوت گذاری معقول و عینی باشد و مقصود از آن دستیابی به هدفی باشد که طبق میثاق توجیه پذیر باشد، متضمن تبعیض نخواهد بود. برای مثال شرط سن و یا شرط تابعیت و شهروندی برای برخورداری از حق مشارکت در اداره امور عمومی و سیاسی و یا اتخاذ تدابیر ویژه برای حمایت از مادری و یا تعیین حداقل سن ازدواج. رک به:

General Comment No.18 . Adopted by the human rights committee. para: 13.

دارد. و موقت بودن آن نیز به این معناست که این اقدامات یک امر دائمی و همیشگی نیستند و این ناهمسان سازی قانونی تا زمان ریشه کنی تبعیض در واقعیت ادامه می‌یابد.^{۱۷}

(ت) **محو کلیه قوانین، سنن، رویه‌ها، هنجارها و ارزش‌های زن ستیز.**

نابرابری زنان در بهره‌مندی از حقوق بشر بطور عمیقی ریشه در سنت، تاریخ و فرهنگ و از جمله برخی نگرشهای مذهبی دارد. انتخاب جنسیت نوزاد قبل از زایمان و یا سقط کردن عمدی جنین‌های مونث دلالت بر پذیرش نقش دست دوم برای زنان در بسیاری از جوامع دارد. کمیته حقوق بشر در بند ۵ از نظریه عمومی شماره ۲۸ خود از دولتهای عضو میثاق می‌خواهد تا تضمین نمایند نگرشهای سنتی، تاریخی، مذهبی و فرهنگی در جهت توجیه نقض حقوق زنان بکار برده نمی‌شود.^{۱۸}

از جمله اقدامات و تدابیری که برای دستیابی به مساوات کامل میان مردان و زنان ضروری می‌باشد، ایجاد تغییرات و اصلاحات در نقش‌های سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده است. در این زمینه کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در ماده ۵ خود از دولتهای عضو می‌خواهد تا کلیه اقدامات مناسب در زمینه تعدیل الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتاری مردان و زنان به منظور از میان برداشتن تعصبات و کلیه روش‌های سنتی و غیره که بر تفکر پست‌نگری یا برتر‌نگری هر یک از دو جنس یا نقش‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان استوار می‌باشد را به عمل آورند.

همین کنوانسیون در بند پ از ماده ۱۰ خود نیز که به آموزش و پرورش می‌پردازد، دولتهای عضو کنوانسیون را موظف به تضمین اقداماتی از جمله از بین بردن هرگونه مفهوم کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در کلیه سطوح و در اشکال مختلف آموزشی از طریق تشویق به آموزش مختلط و سایر انواع روش‌های آموزشی که نیل به این هدف را ممکن می‌سازد و بویژه از طریق

¹⁷. General Comment No.18 . Adopted by the human rights committee. para: 10. See also: General Comment No.16 . Adopted by the committee on economic, social and cultural rights. Para:15,35,36.

¹⁸. General Comment No.28 . Adopted by the human rights committee. Para: 5.

تجدید نظر در کتب درسی و برنامه‌های آموزشی مدارس و تطبیق دادن روش‌های آموزشی می‌نماید.

گفتار دوم: بررسی برابری زنان و مردان در چند نمونه از حق‌های بشری

در این گفتار تلاش میشود تا برابری زنان و مردان در چند نمونه از حق‌های مهم بشری مورد ارزیابی قرار گیرد.

الف) حق بر مشارکت در اداره امور عمومی و سیاسی

مبارزات زنان برای دستیابی به حقوق سیاسی و بطور خاص حق رای، در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در اروپا و امریکا شکل گرفت و آرام آرام به سرتاسر جهان گسترش یافت. این مبارزات که اولین موج «فمینیسم»^{۱۹} را بوجود آورد، نتایج بسیار درخشانی را در شناسایی و برخورداری زنان از حقوق سیاسی به همراه داشت. اثر این مبارزات در قالب شناسایی حقوق سیاسی زنان هر چند ابتدا در قوانین ملی برخی کشورهای پیشرو نمود یافت اما بعد از جنگ جهانی دوم به عرصه حقوق بین‌الملل بشر نیز کشیده شد و در اسناد عام و برخی اسناد خاص حقوق بشری مورد تصریح و تاکید قرار گرفت. اعلامیه جهانی حقوق بشر شاید نخستین سندی است که در عرصه بین‌المللی در سال ۱۹۴۸ بطور صریح برابری در بهره‌مندی از حقوق سیاسی را برای زنان به رسمیت شناخته است.^{۲۰} کنوانسیون حقوق سیاسی زنان مصوب ۱۹۵۲ نیز در مواد ۱ و ۲ و ۳ خود به این موضوع می‌پردازد و حق رای در تمامی انتخابات در شرایطی مساوی با مردان و صلاحیت انتخاب شدن و یا تصدی سمتهای عمومی را از سوی زنان مورد شناسایی قرار داده است.

ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز حق برابر هر انسان عضو اجتماع (شهروند) را در اداره امور عمومی کشور خود مابشرتاً یا توسط نمایندگان که آزادانه انتخاب می‌

^{۱۹} فمینیسم: نهضت و جنبش دفاع از حقوق زنان که امروزه بصورت یک مکتب فلسفی فعالیت می‌نماید. برای آشنایی با موج‌های سه‌گانه فمینیسم بنگرید به: مریم نصر اصفهانی، «فلسفه فمینیستی چیست؟»، قابل دسترس در آدرس اینترنتی: www.critic.ir

^{۲۰} بنگرید به ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، البته تساوی حقوق زنان و مردان موضوعی است که پیش از تصویب این اعلامیه هم در سال ۱۹۴۵ در منشور ملل متحد (از جمله در مواد ۱ و ۵۵) به عنوان یک اصل و هدف کلی مورد شناسایی قرار گرفته است.

شوند و همچنین حق مساوی کلیه شهروندان را در نیل به مشاغل عمومی کشور خود به رسمیت می‌شناسد. بدون تردید با لحاظ ماده ۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی این حق منحصر به مردان نیست و بلکه زنان نیز دارای حقوق کاملاً مشابه با مردان در شناسایی، برخورداری و اعمال این حق می‌باشند.

ماده ۷ کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان نیز به این حق می‌پردازد و از دولت‌های عضو خواستار تضمین اموری برای زنان در شرایط مساوی با مردان می‌شود از جمله رای دادن در کلیه انتخابات و همه‌پرسی‌های عمومی و داشتن اهلیت برای انتخاب شدن در تمام نهادهایی که بطور عمومی انتخاب می‌شوند؛ شرکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آن و انتصاب به سمت‌های دولتی و انجام کلیه مسوولیت‌های دولتی در تمام سطوح دولت؛ شرکت در سازمان‌ها و انجمن‌های غیر دولتی مرتبط با زندگی سیاسی و اجتماعی کشور.

ب) آزادی ازدواج و حق تشکیل خانواده

ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به آزادی ازدواج و حق تشکیل خانواده و تعهدات دولتهای عضو در این زمینه می‌پردازند. ماده ۲۳ مذکور ضمن به رسمیت شناختن حق بر نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمان رسیدن به سن ازدواج، تاکید می‌کند که هیچ نکاحی بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین آن منعقد نمی‌شود. ماده ۱۰ مذکور نیز به تعهدات دولتهای عضو از جمله در زمینه حمایت و مساعدت از خانواده در بالاترین حد ممکن برای تشکیل و استقرار آن می‌پردازد. کمیته حقوق بشر به عنوان رکن ناظر بر اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی در نظریه عمومی شماره ۲۸ خود عواملی را که می‌توانند بر تصمیم‌گیری آزادانه زنان بر ازدواج تاثیر گذار باشند مورد اشاره قرار می‌دهد: یکی از این عوامل حداقل سن ازدواج است که بنا بر نظر کمیته این سن می‌بایست با رعایت ضابطه برابری میان مردان و زنان تعیین گردد و صلاحیت زنان را بر اتخاذ یک تصمیم آگاهانه و غیر اجباری تضمین نماید. عامل دیگر لزوم اعلام رضایت فردی - عموماً مرد - تحت عنوان ولی یا قیم است، که این عامل به اعتقاد کمیته مانع از انتخاب آزادانه زنان می‌گردد. عامل دیگر از نظر کمیته حقوق بشر، قوانین یا رویه‌هایی هستند که از ازدواج یک زن معتقد به مذهب خاص با مرد فاقد مذهب یا دارای مذهب متفاوت جلوگیری می‌نمایند. کمیته حقوق بشر در این

نظریه همچنین به صراحت چند همسری (تعدد زوجات) را با اصل برابری رفتار در ازدواج در تعارض می یابد و تعدد زوجات را یک تبعیض غیر قابل پذیرش و امری که موجب نقض کرامت زنان می شود، می داند و خواستار لغو قطعی آن در صورت وجود می گردد. این نظریه همچنین رعایت برابری در دوران ازدواج را متضمن حقوق و مسوولیت‌های برابر زن و شوهر می داند. ضمن اینکه برابری در انحلال نکاح (فسخ و طلاق و...) و حق بر ارث برابر به هنگام فوت یکی از همسران را نیز مورد تاکید و تصریح قرار می دهد.²¹

ماده ۱۶ کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان نیز در این زمینه خواهان تضمین اموری از سوی دولتهای عضو می گردد از جمله: حق یکسان برای عقد ازدواج؛ حق یکسان در انتخاب آزادانه همسر و عقد ازدواج همراه با رضایت کامل و آزادانه دو طرف؛ حقوق و مسوولیت‌های یکسان در طی دوران زناشویی و به هنگام جدایی؛ حقوق و مسوولیت‌های یکسان به عنوان والدین،... حقوق یکسان در مورد تصمیم گیری آزادانه و مسوولانه نسبت به تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و دسترسی به اطلاعات، آموزش و ابزار لازم که قدرت بهره مندی از این حقوق را به ایشان می دهد؛ حقوق و مسوولیت‌های یکسان در مورد قیمومت، حضانت، سرپرستی و فرزند خواندگی و یا موارد مشابه با این مفاهیم در حقوق ملی؛...

پ) آزادی رفت و آمد و انتخاب محل زندگی

ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر حق هر کس بر عبور و مرور آزادانه و انتخاب محل اقامت و همچنین حق ترک یا بازگشت به کشور خود را به رسمیت می شناسد. ماده ۱۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در این زمینه اشعار می دارد: «۱. هر کس قانوناً در قلمرو کشوری باشد حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب آزادانه مسکن خود را در آنجا خواهد داشت. ۲. هر کس آزاد است هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کند.» البته این حق بر اساس بند ۳ از همین ماده با لحاظ شرایطی قابل محدود سازی است. بند ۳ ماده ۱۲ در این زمینه بیان می کند: «حقوق مذکور فوق تابع هیچگونه محدودیتی نخواهد بود مگر محدودیتهایی که بموجب قانون مقرر گردیده و برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و

²¹. General Comment No.28 . Adopted by the human rights committee. Para: 23, 24, 25, 26 , 27. See also: General Comment No.16 . Adopted by the committee on economic, social and cultural rights. Para:27.

آزادی‌های دیگران لازم بوده و با سایر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد.» از جمله حقوق بنیادینی که در این میثاق به رسمیت شناخته شده حق برابری زنان و مردان در بهره‌مندی از حقوق بشر است که با عبارتی مشابه در ماده ۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مورد شناسایی قرار گرفته شده است. بنابراین اعمال هرگونه محدودیتی بموجب قانون و به دلایل مصرح در بند ۳ ماده ۱۲ میثاق فوق، نمی‌بایست اصل و حق تساوی زنان و مردان در بهره‌مندی از حقوق بشر را نقض نماید و صرفاً محدودیتی را برای زنان به دلیل جنسیت ایشان تحمیل نماید. در این رابطه کمیته حقوق بشر در بند ۱۶ از نظریه عمومی شماره ۲۸ خود از دولتهای عضو می‌خواهد تا در گزارش‌های دوره‌ای خویش اطلاعاتی را راجع به الزامات قانونی یا عملی که برای جلوگیری از مسافرت زنان بزرگسال وجود دارد، از قبیل لزوم رضایت یک شخص ثالث جهت صدور گذرنامه یا هرگونه اسناد مسافرتی دیگر، همچنین اقدامات اتخاذ شده جهت حذف یا اصلاح چنین قوانین و رویه‌هایی را به کمیته ارائه نمایند. بند ۴ ماده ۱۵ کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان نیز در این زمینه اعلام می‌دارد: «دولتهای عضو به زنان و مردان حقوق یکسان در قبال قانون مربوط به تردد افراد و آزادی انتخاب مسکن و اقامتگاه اعطا خواهند کرد.»

ت) حق بر پوشش

کمیته حقوق بشر در بند ۱۳ از نظریه عمومی شماره ۲۸ خود به موضوع پوشش می‌پردازد و از دولتهای عضو میثاق درخواست می‌کند تا در گزارش‌های دوره‌ای خود اطلاعاتی را راجع به کلیه مقررات مربوط به نحوه پوشش زنان در اجتماع (اعم از الزام به داشتن پوشش خاص یا منع استفاده از پوشش خاص) به کمیته ارائه نمایند. در این نظریه عمومی کمیته معتقد است که چنین مقرراتی می‌تواند متضمن نقض شماری از حقوق تضمین شده در میثاق حقوق مدنی و سیاسی باشد. از جمله نقض حق بر حریم خصوصی، نقض آزادی رفت و آمد (در صورتی که اعمال این حق منوط به رعایت الزامات مربوط به پوشش باشد)، نقض حق بر منع تبعیض، نقض حق بر آزادی بیان و مذهب (در مواردی که الزامات مربوط به پوشش با عقیده یا مذهب فرد منطبق نباشد).^{۲۲} در این راستا به نظر می‌رسد لایحه قانونی «ممنوعیت حمل نشانه‌های مذهبی در

²². General Comment No.28. Adopted by the human rights committee. Para: 13.

مدارس دولتی فرانسه» (مصوب ۲۰۰۴) که شامل حجاب اسلامی نیز می گردد^{۲۳} و همچنین تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی ایران در تعارض با این حق باشند.^{۲۴}

ث) حق بر اشتغال

ماده ۶ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق هر کس را در برخورداری از فرصت تامین معاش از طریق شغلی که آزادانه انتخاب یا قبول می نمایند، به رسمیت می شناسد. لزوم رعایت اصل برابری میان مردان و زنان در بهره مندی از حقوق بشر و اصل عدم تبعیض اقتضاء می نماید تا در شناسایی و برخورداری زنان از این حق در شرایط برابر با مردان، مانعی وجود نداشته باشد.

ماده ۱۱ کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان در این رابطه از دولتهای عضو می خواهد تا کلیه اقدامات مقتضی را جهت رفع تبعیض علیه زنان در اشتغال به عمل آورند و از جمله موارد زیر را تضمین نمایند: حق اشتغال به کار به عنوان حق جدایی ناپذیر تمام افراد بشر؛ حق استفاده از فرصت های استخدامی یکسان، از جمله اعمال ضوابط یکسان برای انتخاب در موضوعات استخدام؛ حق انتخاب آزادانه حرفه و پیشه، حق برخورداری از ارتقای مقام؛ حق دریافت دستمزد برابر و نیز استفاده از مزایا و حق برخورداری از رفتار یکسان در مشاغلی که دارای ارزش برابر است؛ حق استفاده از بیمه های اجتماعی و ممنوعیت اخراج به دلیل بارداری یا مرخصی زایمان؛ حمایت خاص از زنان در هنگام بارداری در مشاغلی که برای آنان زیان آور است و مرخصی زایمان با حقوق و مزایای مشابه بدون از دست دادن شغل قبلی.

ج) حق بر آموزش و پرورش

ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق بر آموزش و پرورش را برای کلیه افراد مورد شناسایی قرار می دهد. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (رکن ناظر بر اجرای میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) نیز در نظریه عمومی شماره ۱۶ خویش که به

^{۲۳}. برای مطالعه مباحثی در این زمینه بنگرید به: شیدان وثیق، «آن چیست که لائیسته می نامند»، قابل دسترس در سایت اینترنتی: www.nilgoon.org

^{۲۴}. تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد»

موضوع برابری میان زنان و مردان می پردازد، دولت های عضو را ملزم می نماید تا اطمینان حاصل کنند رفتار تبعیض آمیزی از سوی خانواده ها در فرستادن کودکانشان به مدرسه از جهت پسر و دختر بودن اعمال نمی شود و برنامه های آموزشی در جهت پیشبرد تفکر برابری و عدم تبعیض تنظیم و تدوین می گردد.²⁵

ماده ۱۰ کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان نیز از دولتهای عضو می خواهد تا کلیه اقدامات مقتضی را جهت محو تبعیض علیه زنان به منظور اعطای حقوق مساوی با مردان به آنان در زمینه آموزش و پرورش به عمل آورند و بویژه بر اساس مساوات بین مردان و زنان مواردی را تضمین نمایند که از آن جمله عبارتند از: شرایط یکسان در زمینه آموزش های فنی و حرفه ای، و برای دسترسی به آموزش و دریافت دانشنامه در انواع مختلف موسسات آموزشی در مناطق شهری و روستایی؛ در کلیه سطوح و دوره های آموزشی؛ دسترسی به برنامه ی درسی یکسان، امتحانات یکسان، پایوران آموزشی دارای مهارتها و صلاحیتهای همپراز و محل ها و امکانات آموزشی با کیفیت برابر؛ ... و فرصتهای مشابه برای دستیابی به برنامه های مربوط به ادامه تحصیلات و...»

²⁵ . General Comment No.16 . Adopted by the committee on economic, social and cultural rights. Para:30.